



لزوم تصدیق طبابت برای معالجه بیماران و انتشار اولین نشریه علمی- دانشگاهی ایران در سالهای 1267 و 1299 ه.ق

پدیدآورده (ها) : هاشمیان، احمد
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1382 - شماره 51 و 52
از 34 تا 39

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92420>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 22/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

لزوم تصدیق طبابت برای معالجه بیماران و انتشار اولین نشریه علمی-دانشگاهی ایران در سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۹۹ ه.ق.

دکتر احمد هاشمیان

فکر ایجاد اصلاحات اساسی در حوزه‌های اداری، اجتماعی و نظامی ایران، بیشتر در سالهای پایانی سلطنت فتحعلی شاه و در زمان ولیعهدی عباس میرزا آغاز شد؛ اما بعد از مرگ وی، در زمان صدارت محمد میرزا (محمد شاه بعد)، ادامه این روند، به جهت بی‌اطلاعی حاج میرزا آغاسی، وزیر وی، با کندی و وقفه، مواجه گردید. تا اینکه، در دوره صدارت ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه بعد) و بویژه، در دوره کوتاه وزارت میرزا تقی خان امیرکبیر، زمینه‌های انجام اصلاحات یاد شده، به شکل روزافزونی فراهم آمد. به طوری که بخش زیادی از پیشرفتهای امروزی، در آن زمان پایه‌گذاری شد. به دیگر سخن، از دوران سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت احمدشاه و در واقع، سرانجام زمامداری قاجاریه در ایران، دوره پیدایش نهضت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. به همین جهت، شاید بتوان این دوران را، به رغم بی‌خبری و وابستگی پادشاهان وقت، دوران رنسانس یا تحولات اساسی برهه معاصر ایران برشمرد. زیرا تحولات مزبور، تاثر فراوانی بر سرنوشت کشور در حوزه‌های مختلف برجای نهاد.

توسعه فرهنگی، ایجاد ادارات گوناگون و بسیاری از کارهای مثبت دیگر، ثمره شیرین آن دوران می‌باشد. امروزه بسیاری از آن اقدامات، در نظر مردم ابتدائی می‌آید؛ ولی باید دانست که پیدایش بینش روشنگری در افکار، همراه با پدید آوردن نهادهای تمدنی جدید، از پیامدهای نظری و کارکردی مدرسه دارالفنون و نظامات حاکم بر آن بود که خود، نتیجه و بازتاب اندیشه و خردورزی میرزا تقی خان امیرکبیر بوده است.

امیرکبیر، در دوران کوتاه صدارتش - که بیش از سه سال و یک ماه ویست و هشت روز به درازا نکشید - آن چنان خدمت‌های برجسته‌ای به کشور کرد که شرحش، در کتابی بزرگ نخواهد گنجید. وی، بیش از هر چیز، به تربیت مردم و گسترش عدالت توجه داشت. از جمله کارهای میرزا تقی خان امیرکبیر، می‌توان به لزوم تصدیق طبابت پزشکان و دندانپزشکان، در امر معالجه بیماران اشاره کرد که نخستین بار در ایران وارد صحنه عمل گردید و توجه مردم را، رفته رفته به پزشکی نوین و طبیبان تحصیل کرده، معطوف ساخت و طب سنتی را - که تا آن زمان، بسیار متداول بود - آرام آرام کنار گذاشت.

لزوم تصدیق برای پزشکان

نخستین بار در ایران، در زمان صدارت امیرکبیر، قرار بر این شد که از سال ۱۲۶۷ ه.ق، تصدیق طبابت صادر شود تا هر کسی نتواند اسم طبیب روی خود بگذارد. تا آن زمان، واژه «طبیب فوج نظامی»، لغت مرسوم بود و پیشه چنان کسی، بر پایه تجربه بود.

دکتر کازولانی، حکیم باشی نظام، طبق دستور امیرکبیر، می‌بایستی کار طبیبان را نظارت می‌کرد و به آنان «تصدیق طبابت» می‌داد تا به طور رسمی، به کار پزشکی مشغول شوند. بعد از مرگ وی در سال ۱۲۶۸ ه.ق، دکتر پولاک، جانشین او گردید. (۱)

بر اساس دستور اعتراض‌دالسلطنه - که در شماره ۵۴۱ روزنامه دولت علیه ایران، به تاریخ پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۲۷۹ ه.ق، چاپ شده است - ضمن نام بردن از تصدیق پزشکی، مقرر گردید که نام پزشکان دارای گواهینامه پزشکی، در روزنامه مزبور، به طور رسمی اعلام شود:

مدرسه مبارکه دارالفنون که در ماه مبارک رمضان تعطیل بود و در هر هفته، یک روز [در آنجا] مذاکره می‌شد، حال همه روزه، معلمین و متعلمین، در

مدرسه حاضر شده، مشغول تعلیم و تعلم علوم مقررّه می باشند و از اهمّات اعتضاد السلطنة، وزیر علوم، هر یک مساعی جمیله به ظهور می رسانند که در درجات و مقامات تحصیل خود، ترقی حاصل نموده، فارغ التحصیل شوند. شاگردان طب مدرسة دارالفنون، از جهت اینکه از علم طب ایرانی و فرنگی، با سررشته می باشند، مردم، به آنها بسیار رجوع می نمودند و غالباً معالجات آنها، بافایده بود. چون بعضی از آنها، علم خود را تکمیل نکرده بودند، این اوقات اعتضاد السلطنة، به عموم شاگردهای طب، قدغن اکید نموده است که تا آنها را حکیم طولوزان، در علم فرنگی و میرزا احمد حکیمباشی کاشانی، در علم ایرانی امتحان نمایند، به معالجه مردم اقدام نکنند و بعد از آن، وقتی که هر یک، استعداد معالجه کردن داشته باشند، مشارالیهما، تصدیقی به آنها بدهند؛ آن وقت، به معالجه مردم اقدام کنند و سایرین، تا تصدیق نگرفته باشند، ماه ذون به عبادت مردم نخواهند بود؛ و بعد از امتحان، اشخاصی که تصدیق در دست دارند، اسامی آنها، در روزنامه های آینده، نوشته خواهد شد. (۲)

همچنین در شماره دوم روزنامه دانش، نشریه دارالفنون، در تاریخ هفتم شعبان ۱۲۹۹ ه. ق. ۱۴/ ژوئن ۱۸۸۲ م، با چاپ اعلانی، چگونگی ادامه کار رسمی پزشکان، بدین ترتیب روشن شد:

اعلان

این اوقات، مفروع سمع همایون و معروض خاک پای مبارک شد که در دارالخلافه الناصره، اطبای غیرحاذق و اشخاص نالایق راه داعیه طبابت به خاطر رسیده و به معالجه، جسارت ورزیده اند. از آنجا که پیشنهاد خاطر خطیر اقدس و اقتضای رأی جهان آرای مقدّس، همواره حفظ نفوس عموم نوکر و رعیت و ترفیه حال قاطبه اهالی مملکت است، امر قدر قدر همایونی، نافذ شد که در وزارت علوم، مجلس امتحانی برای این گونه اطبای تشکیل باید تا به مقتضای «اهل یتوی الذین لا یعلمون»، عالم از جاهل پدیدار گردد و حق از باطل ممیز آید. لهذا، انجام این خدمت و اتمام این نعمت راه در کتابخانه مدرسة مبارکه، که از چهارم شهر شعبان، مجلسی که به وجود رؤس افاحم اطبای و وجوه اعظام حکما، که مجلس با احترام حافظ الصّحة دولتی راه، اعضای عظامند. مزین است، ترتیب داده، شروع به امتحان شد و عمّا قریب، رد و قبول هر یک از اطبای - که به معرض امتحان می آیند - در نمره های آتیه، ثبت و اطلاع ناظرین راه، عرضه می دارد.

پس از انجام این عنوان و اختتام این امتحان، شروع به استغراق در عمل دوا فروشان و تصحیح شغل عطاران خواهد شد و قوانین محکمه قواعد لازمه، در آن باب، موضوع می شود که نفوس محترمه راه، از خطر دواهای عوض و غلط، محفوظ و ایمن نماید و شرح قوانین موضوعه، در اوراق مستقبه، متدرجاً مندرج می آید. (۳)

در سال ۱۹۱۱، بعد از وضع قانون تازه ای درباره کار پزشکان، دفتری برای رسیدگی به پزشکان و آمار ایشان تاسیس گردید که بر آن اساس، تمام کسانی که دارای ده سال سابقه طبابت و درمان بودند، می توانستند بدون گذراندن امتحان یاد دوره، اجازه رسمی طبابت بگیرند. البته، از آن زمان به بعد، طبابت فقط با مدرک پزشکی (چه از دانشگاه داخل و چه از خارج کشور)، که می بایست به تأیید مسئولان مربوط می رسید (۴). صورت می گرفت. در همین مورد، در زمان سلطنت احمد شاه (۱۳۱۴، ۱۳۴۸ ه. ق.)، در تاریخ دوم رجب ۱۳۲۹ ه. ق.، قانون طب (طبابت)، مشتمل بر ۱۳ ماده، در جلسه سوم جمادی الثانی مجلس

شورای ملی، به شرح زیر، به تصویب رسید:

قانون طبابت

ماده ۱. هیچکس، در هیچ نقطه ایران، حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندانسازی ندارد مگر اینکه از وزارت معارف، اجازه نامه گرفته و به ثبت وزارت داخله، رسانیده باشد.

ماده ۲. در آتیه، اسنادی که وزارت معارف، آن را رسماً شناخته و به صاحب آن، اجازه نامه خواهد داد، از این قرار است: اولاً، تصدیقنامه هایی که در مملکت ایران، به توسط مدارس طبّی دولت داده می شود؛ ثانیاً، تصدیقنامه های طبّی دولتی ممالک خارجه.

ماده ۳. گیرنده اجازه نامه طبابت، مبلغ پنج تومان، به صندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید.

ماده ۴. اشخاصی که هیچ یک از تصدیقنامه های مذکور در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون، از پنج سال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده [اند]، اجازه نامه، به آنها داده نمی شود و از مداومت به شغل مزبور، ممنوع خواهند بود.

ماده ۵. اشخاصی که دارای هیچ یک از تصدیقنامه های مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند، اجازه نامه طبابت می توانند بگیرند؛ مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضای مدت سه سال، حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون، در وزارت معارف منعقد می شود، امتحان دهند یا آنکه تا مدت چهار ماه، یکی از اسناد ذیل راه، به وزارت معارف ارائه دهند: اولاً، تصدیق، [گواهی] تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطبای معروف، مشروط بر اینکه در آن تصدیقنامه، ذکر شده باشد که دارنده آن، لا اقل پنج سال بالاستمرار، از تلامذه او بوده باشد؛ ثانیاً، تصدیقنامه [از] [اطبای مریضخانه دولتی و آمریکائی].

توضیح:

تصدیقنامه های مذکور، فقط تا چهار ماه بعد از نشر این قانون، اعتبار خواهد داشت و وزارت معارف، بر طبق آن، اجازه نامه طبابت خواهد داد. بعد از انقضای آن مدت، آن تصدیقنامه ها، از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دوم این قانون، برای تحصیل اجازه نامه طبابت، معتبر خواهد بود.

ماده ۶. اشخاصی که بیش از ده سال، استمراراً مشغول طبابت بوده اند، به هر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند.

ماده ۷. برای آنکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون، به وزارت معارف معرفی شده، اجازه نامه بگیرند، از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه، کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور، می توانند خودشان را به آن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور، مرکب خواهد بود اولاً، از یک نفر از معلمین طب مدرسة دارالفنون؛ ثانیاً، از یک نفر از اطبای مریضخانه دولتی؛ ثالثاً، از یک نفر از اطبای مریضخانه آمریکائی؛ رابعاً، از یک نفر از اطبای معروف ایرانی؛ خامساً، از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنان، رئیس کمیسیون خواهد بود. اشخاص مزبور راه، وزیر معارف، تعیین خواهد نمود.

ماده ۸. از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال، هر سال دو نوبت در بهار و پاییز، یک کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد. برای اینکه مطابق

ماده پنجم این قانون، اشخاصی که بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را به کمیسیون مذکور در ماده قبل، معرفی نموده اند، به معرض امتحان در آورند. کمیسیون مزبور، مرکب خواهد بود اولاً، از معلمین رسمی طب دارالفنون؛ ثانیاً، از چهار نفر از طبای معروف؛ ثالثاً، از یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود. تعیین اشخاص مذکور، با وزارت معارف است.

ماده ۹. اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون، در ولایات مشغول طبابت بوده یا در طهران و ولایات، دندانسازی می کردند، باید تا یک سال بعد از نشر این قانون، خود را به وزارت معارف معرفی کرده، برای مداومت به شغل مزبور، اجازه نامه تحصیل نمایند، لیکن پس از انقضای یک سال، در هیچ یک از نقاط ایران، به هیچکس اجازه نامه طبابت و دندانسازی داده نخواهد شد، مگر به موجب اسناد مذکور در ماده دوم این قانون.

ماده ۱۰. هر کس، برخلاف مقررات مواد فوق، به شغل طبابت مشغول شود، در نوبت اول، اخطار می شود و در نوبت دوم، چهار ماه محبوس و در نوبت سوم، یک سال محبوس خواهد شد.

ماده ۱۱. بعد از انتشار این قانون، هیچ طبیبی، برای امور صحیه و طبیه، در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد، مگر آنکه به موجب اسناد مذکور در ماده دوم، دارای اجازه نامه طبابت باشد.

ماده ۱۲. نسخه رمز کلمه، ممنوع است و هر طبیبی که نسخه رمز بدهد، مجازات او، چهار ماه حبس خواهد بود.

ماده ۱۳. وزارت داخله، مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون، از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از یک سال پس از نشر آن در ولایات، به موقع اجرا گذاشته شود.

قانون طبابت، مشتمل بر ۱۳ ماده، در جلسه پنجمین سوم شهر جمادال ثانیة، به اکثریت ۳۴ رای، در مجلس شورای ملی تصویب شد.

حسین مؤتمن الملک

این قانون طبابت، به موجب اصل هفدهم و سی و سوم قانون اساسی، ملاحظه شود.

مورخه دوم رجب تنگوزیل ۱۳۲۹

ناصر الملک نایب السلطنه

«دانش»، اولین نشریه علمی - دانشگاهی ایران

«نشریه دانش» (۵)، که در نوع و زمان خود، نشریه ای با ارزش بود، از ابتکارات علیقلی خان مخبرالدوله می باشد. این نشریه، بر ایگان به استادان و دانش آموزان دارالفنون، داده می شد.

میرزا کاظم پسر میرزا احمد محلاتی، معلم شیمی مدرسه، دستیار علیقلی خان در چاپ آن بود. این نشریه، در «دارالطباعة خاصه علمیه مدرسه مبارکه دارالفنون»، به چاپ می رسید. از نویسندگان دیگری که امضای آنها در زیر مقالات آن بوده، می توان از حاج نجم الممالک، میرزا محمودخان و

جعفرقلی خان نام برد. اداره چاپخانه نشریه نیز، زیر نظر میرزا عباس که خود، نقاش و «باسمه چی» بود، قرار داشت.

این مجموعه، نخستین نشریه علمی، دانشگاهی در ایران می باشد که شماره نخست آن، در ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ه. ق. و آخرین شماره آن (شماره چهاردهم)، در ۱۶ صفر ۱۳۰۰ ه. ق. منتشر گردید. بنابراین، عمر آن، فقط به ۶ ماه و ۱۶ روز رسید. با این وجود می توان گفت که: مجموعه یادشده، نخستین و بزرگترین قدم در راه انتشار نشریه ای علمی، دانشگاهی در ایران بوده است. همچنین، نشریه دارالفنون تبریز، که فقط ۴ شماره از آن منتشر شد، در این راستا می باشد.

پی نوشتها:

۱. آدمیت، دکتر فریدون، امیر کبیر و ایران، خوارزمی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۶.
 ۲. روزنامه دولت ایران، ۲۸ شوال ۱۲۷۹ ه. ق.، ش ۵۴۱، ص ۴.
 ۳. روزنامه دانش، هفتم شعبان ۱۲۹۹ ه. ق.، ش ۲، ص ۴.
 ۴. سیریل، الگود، تاریخ پزشکی ایران، تهران ...، ۲۵۳۶، ص ۸۹.
۵. نشریه علمی و خبری مدرسه دارالفنون می باشد که شماره چهارم آن، به تاریخ ۱۵ رمضان ۱۲۹۹ ه. ق.، جهت اطلاع خوانندگان، در ذیل می آید:
- کاشف دقائق معارف و آداب، و عارف بر حقایق طویف و انساب، جناب مقرب الخافان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، مطلب ذیل را، به اداره دانش فرستاده اند، بعینها ثبت می شود.

رازها را چون بیاری در میان رگها رازها کن در قشرا
اکثر مفسرین و بعضی اهل لغت، به اتباع کتب مشوشه توارخ، ذوالقرنین را، که در آیه کریمه «و سلولتک عن ذی القرنین. قل سائلو علیکم منه ذکرا» ذکر شده، او را، رومی تصور کرده و اسمش را هم، اسکندر دانسته اند؛ و حال آنکه اسکندر رومی یونانی، یک شخص بوده و پسر فیلیپ یا فیلیپوس. که سُناخ و کتاب، آن را ا فیلیپوس کرده اند. حکمران ماکادونیا مقدونیه بوده او ماکادونیا، ولایتی است متصل به شمال یونان، و ادرار وایت دیگر، دختر زاده فیلیپ یعنی پسر داراب بن بهمن بوده. اینکه اسم ذوالقرنین، اسکندر نبوده، در نزد اهل تحقیق معلوم است. چون از دهن دختر فیلیپ، زن داراب بن بهمن، پادشاه ایران، بوی کریمه می آمد، در حالتی که از داراب، حامله بود، به طرف پدرش فیلیپوس، اطلاق و ارسال شد. بعد از رسیدن به ماکادونی، وضع حمل کرد. اسمش را «اسکندر» گذاشتند که به معنی آدم نیک است، بعد به اسکندر، مشهور شد و وارث تخت یونان و ماکادونی گردید و با برادر پدري خود، داراب داراب بن بهمن، جنگ کرده و غالب آمد و برادرش (دارا) مقتول شد و اسکندر، به ارشاد ارسطوی حکیم، ایران را، به حالت ملوک الطوائف گذاشت و این کیفیت، نهصدوسی و پنج سال قبل از هجرت نبوی. صلی الله علیه و آله بود. و زمان اسکندر مزبور، از ذوالقرنین، که بانی سد است، یک هزار و نهصد و پنجاه سال بعد بوده که الی زمانها، چهار هزار و یکصد و هشتاد و پنج سال می شود. ذوالقرنین، که در آیه کریمه ذکر شده، دوهزار و نهصدوسی و سه سال قبل از هجرت بوده و از کتب توارخ و انساب، مفهوم می شود.

«رساله مفتاح العلوم، ترجمه معتمد السلطان، جعفرقلی خان سرتیب اوک و رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون». و جسم خشکی را آتش زنده و ثابت نشده است که سبب آتش گرفتن بعضی خانه ها در تابستان، اشعه شمس نباشد.

(۱۵) س: چرا اگر نور ماهتاب را، در روی آتشیخانه عدسی بزرگی جمع کنند، تقریباً درجه حرارت میزان الحراره، ارتفاعی پیدا نمی کند؟ ج: چونکه نور ماه، عبارتست از نور آفتاب که در کره قمر منعکس شده است. لهذا، عده اشعه حرارتی آن، به مراتب کمتر از نور آفتابست و جزئی حرارتی که در نور ماه هست، به واسطه محیط کره ارض، مجذوب می شود. از تجارب «علمی» و «سیمس» در بالای قله «نریف». که ارتفاع زیادی از سطح دریا دارد و لهذا، اثر جرقیلی هوا، در آنجا چندین محسوس نیست. ثابت شده است.

دوشنبه یازدهم شهر محرم الحرام
خالدین ابن دینار که در طهران کوفه
از شهر بلاد ایران خوشنظر است
قیمت ندارد



سوی یکم در لبه فانی است
اعلان این دفتر نامه قیمت ندارد
دارالطبایع خاصه علی بن محمد
میان کربار القنون

دوستان دانش را بهی و مرتب رطب و شحافا بقسبه مشق و هرگز از اجزا و طلا
که بجای مویط و دیر بید مویط نماید باز آید و در آن علو بفرستد و در شهر کوفه

کاشف فایده صیغه اذات غارف برخطای طوایف
اشا جناب قریب الخان میرزا و وصف ما زینت شاه
مطلب بران بابا و آراء و افترا شده اند بهیجا نیک میشود
و از هزاران چون بیاری در میان
و کجا از آنرا که در دفتران
اکثره مقبره بعضی اهل لغت نظر بانباع که شوشه
قوانین ذوالقرنین را که در آنجا که به و کتب لوانک
عن ذی القربین قلنا قل علیا کوفه و کما ذکر شده
اوراد و مویط کرده و ما مشربا هم اسکن دانسته اند
و حال آنکه اسکن در دنیا باونا فایده شخصی بوده و در طلب
با غلبه نوس باقی لغویوس که نتایج و کتاب بلوغیوس که در
حکمان ما کاد دنیا بوده و در و این یک در خزر از ده فلجی
بیش از این بهین بوده (ما کاد دنیا کلا این استنشاد باونا)
اینکه اسم ذوالقرنین اسکن بود و در نزد اهل بصره حق
معلوم است

چون از ده در خزر فلجین دارا بر این بهین یاد شاه ایران
بوی که بهین بر امده در عالم که از دارا به عالم بود بطین بدین
غلبه نوس اطلاق و از سال شده بکند از رسیدن ما کاد و
وضع عمل کرده مشربا (الکسند) که داشتند که معنی آن
بکند است بعد باسکن در شهر شده و در آن شهر بونان
و ما کاد و در کوفه بدین باراد برید که خود دارا بر این بهین
بکند کرده و مقابل مدو برادرش (دانا) مقبول شده و
اسکن با در شتار سطوی حکیم ایران و با مخالف ملوک القون
که داشتند این کتب فساد می و بچند قبل از هجرت بشو
سلی الله علیه و آله بود
و زمان اسکن بهین بود از ذوالقرنین که زان سندان
یکضرب و فضا و چاه تا بکند بوده که از آنجا تا اینجا
چهار هزار یکصد و هشتاد و پنج سال پیش ذوالقرنین
کرد و آنرا که بهین ذکر شده و هزار و هشتاد و سه سال
قبل از هجرت بوده و از آنکه قمار بر و انساب معوم میشود

لما ابح البحر العاصی و جعل السطح قبلنا من اول نذر سنة كذا ان
رسا مينا العلو نوزعت جعفر بن شهر بن مهران

و چه بخت که با اقرین کند و نایت شده است که کسب از کز بهین گفته خانه ما در نایمان داشته نمک باشد
(۱۵) پس چرا اگر تو ما خندا یا در ذوی القنانه مدعی نزد که جمع کنند تقریباً درجه حرارت نیز از بخار از انظار عیب
نیکند چ چونکه بوزن علمایار دستا دروز انخاب که در کوه قهوه نمک شده است بعد اعجاز اشهر از ان بر این که در
انفاکت بوی برادر که در نوزدهامت بواسطه هوا عبدا کرده و بر بجزوب میشود از بخار ملتی و سیمین در دنیا کافله
شرف که ارتفاع دنیا بجزان سطح دریا دارد و همدان شرح فعیل مواد را بجا بندان عوسر بنظیر شده آ

دو شنبه شانزدهم محرم ۱۲۹۹
 حاکمین این روزنامه و مطبوعه
 از سایر بلاد ایران خواستند
 قیمت ندادند

مطابق قولی که در اکثر اخبار از نشر این
 اعلان این روزنامه قیمت ندادند
 دارالطباعه خاصه علمیه در کربلا
 مبارک کرد دارالطبع



امیدواریم که این طبقه طلاب طبیبان از هر حیثیت
 کما یبقی کمال و فایده تحصیل شوند ازین مزید سبب
 اعلی حضرت قوت شوکت شاهنشاه اسلام پناه و جانا
 فذاه الحیا خادق با علم و عمل ازین مدرسه مبارکه
 بیرون آید و عموم رعایا و میرایا از ادیبات مستفید
 و مستفیض شوند

انجمن اهل علم
دکتر آلبو که یکی از معارف طبای برلین
 بای تحت مملکت المان است بر حسب عهده انجمن طبیبان
 اندرسون شهر برلین و معارف و انتخاب جناب
 جلاله آلبو مخبر الذیور وزیر علوم و معادن و غیره
 ندیر مدرسه مبارکه دارالفنون احضار شده بود
 در این روزها و اردار خلافت با امر کرده که بجه
 فهرست و دستورالعمل (برگرم) جهت ترتیب تحصیل
 علوم متعلقه طبایات نوشته عراقی در مراتب علوم
 طبیه و سایر شعبه متعلقه باین فن شریف و اعمال بد
 و کلیت (دروس علمی شاکر در کربلا) در مدرسه
 و مرضخانه مبارکه اقدامات لازم بعمل خواهد آورد

و حسب امر قد قد بجه قطع بستگان اعلی حضرت افکن
 شاهنشاهی و معارف جناب جلاله آلبو مخبر الذیور
 علوم و معادن و غیره یکفر بهتدیس معدن از فرهنگ
 خواسته بودند که در مدرسه مبارکه بتعلیم متعلمین
 مخصوصاً اشغال ورز و هم در صورت لزوم بخدمات
 مستلقه بمبادن اقدام نماید این روزها هستی

هادکینسن مهندس معدن انگلیس که برای
 انجام این خدمات منتزعه شده بود و مردی عالم و
 فاضل است او در شد و یکدسته نشاکر مخصوص
 بمشاورا لیس میزدند که در معدن کربلا از تمام
 شعب علوم متعلقه بمکدن تعلیم نماید

خبر روزنامه دانش درباره دکتر آلبو و هادکینسن و چگونگی جذب و انجام خدمت آنها
 (روزنامه دانش، ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۹ - ۳۰ اکتبر ۱۸۸۲ و ۱۴ سپتامبر ۱۸۸۲)

اعلان

این اوقات مقرر جمع جمع نمایون و معروضات کجای مبارک
شد که در روز اول خلافت امامان و اطباء غیرها ذوق داشته
تا لایق داد اعظم طبابت بخاطر سپید و عمالجه
جسارت و وزیده انداز آنجا که پیش نهاد خاطر خطیر
اقدیر و افتخار ای چنان آرای مقدس هوای حفظ امور
عمومی و کور و حیت و ترفیه حال قاطبه اهل مملکت است
امر قد قددها یولای نافذ شد که در روز ارت علوم
مجلس مطالی برای یکروزه طبابت تشکیل یابد تا بمقتضای
(هَلْ تَسْتَبِقُوا الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ وَالَّذِينَ لَا يُبَلِّغُونَ) عار از ظاهر
پدید آرکود و حق از باطل تمیز آید لهذا انجام این عهد
و اتمام این عهد داد در کتابخانه مدرسه مبارکه انجمن
شهر مستجاب میسیر که بوجود رؤس انجمن طبابت و رؤس انجمن
سنگ که مجلس الاحرام حافظان تقیه در امور اعطاء عظامند
مقرر است که در این روز شروع با امتحان شد و تمام بر
تقدیر قبول هر یک از طبابت که معترض امتحان می آیند در
نمرکات انجمن ثبت و اطلاع ناظرین با عرض میسیر
چرا که انجام این عنوان و اتمام این انجمن شروع با استغفار
دکتر و دوا فروشان و تصحیح شغل طبابت و انخواستند
و قوانین محکم و قواعد اعلام در آن باب موضوع میشود که
فنون معتبره را از خطر و آهای عویض و فساد اعضا و این
نمایند شرح قوانین موضوعه در اوراق مستقبله
مستور حکام مستدبج میسیر

اعلان جذب طبیب (پزشک) از طریق برگزاری امتحان